

هو العليم

ادله قرآنی احتیاط در شبهات حکمی

بررسی آیات توقف، تقوا و پرهیز از تهلکه

سلسله دروس خارج اصول فقه - احتیاط - جلسه

دویست و شصت و سوم

استاد

آیت الله حاج سید محمد محسن حسینی طهرانی

قدس الله سرّه



أَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحث راجع به ادله احتیاط است و مرحوم آخوند می‌فرمایند [که] علی‌ای‌حال در شبهاتی که دلیل بر تنجیز آنها اقامه نشده است، استدلال شده است به آیات و نقل و سایر ادله. اما آیات آن آیاتی است که دلالت بر توقّف در آنچه که **لیس بعلم** است، دارد.^۱

اقوال درباره احتیاط

قبل از این، یک بیان اجمالی راجع به مسئله احتیاط و اینکه از قول چه افرادی مطرح است، باید انجام بشود. مرحوم شیخ در رسائل در شبهات تحریمیه، احتیاط را به معظم اخباریین نسبت داده‌اند؛ اما مرحوم شیخ در شبهات وجوبیه حکمیّه مدّعی هستند که آنها در عدم وجوب احتیاط موافق با ما هستند.

^۱ ایشان [مرحوم آیه‌الله سید محمد محسن حسینی طهرانی رضوان الله تعالی علیه] در این درس از متن کتاب فرائد الأصول می‌خوانند و اکثر مصادر در آنجا هم ذکر شده است؛ جهت اطلاع بیشتر رجوع شود به فرائد الأصول، ج ۲، ص ۱۴۲ - ۱۴۵. (محقق)

قول مرحوم شیخ حر عاملی

دلیل این مسئله کلام شیخ حر عاملی در باب قضاء است که ایشان می‌فرمایند [که] **لا خلاف فی نفی الوجوب** در شک به عدم احتیاط **إلاّ إذا عِلْمنا اشتغال الذمّة**، مگر در صورتی که ما اشتغال ذمه بأحد الطرفين را داشته باشیم؛ مانند قصر و اتمام یا در صلاة ظهر و جمعه یا در جزاء واحد برای صید یا اثنین در صورتی که شخص بیش از یک صید کرده باشد؛ آیا یک کفاره باید بدهد یا اینکه در عوض هر صیدی کفاره جدا دارد؟! و به مقتضای تحریم ترک جمیع، کفاره واحد از یک طرف، و تحریم **تعیّن أحد الطرفين لا علی التعیین**، در اینجا ایشان قائل به احتیاط و قائل به جمع شده‌اند؛^۱ چون اگر بگوییم: «یکی متعیّن است»، ممکن است خلاف باشد، اگر بگوییم: «دوتا متعیّن است»، ممکن است این دوتا خلاف باشد؛ چون حکم به وجوب اثنین لعلّ اینکه خلاف واقع باشد **واحدٌ یُجزی عن الجمیع**؛ **واحدٌ یُجزی عن الإثنین أو ثلاث**. پس مرحوم شیخ حر

^۱ فرائد الأصول، ج ۲، ص ۱۴۲ و ۱۴۳.

در اطراف علم اجمالی - گرچه ایشان اسم نیاوردند -
در شبهات وجوبیه قائل به احتیاط هستند، نه قائل به
برائت.^۱

دیدگاه محدث بحرانی

از جمله افراد دیگر مرحوم محدث بحرانی است
که ایشان راجع به اصل برائت می‌فرمایند [که] اصل
برائت در شبهات وجوبیه؛ نفی وجوب است؛ حتی
يقوم الدليل و لا خلاف فيه، این راجع به شبهات
وجوبیه است؛ اما **نقلاً عن الدرر النجفية** می‌فرمایند
که باز در شبهات وجوبیه اشکالی نیست و اگر قرار
باشد که در شبهات وجوبیه این موجب احتیاط باشد،
ممکن است که حرج لازم بیاید و تکلیف **بما لا**
يطاق لازم بیاید و بنابراین، این احتیاط در شبهات
وجوبیه نیست؛ گرچه ایشان می‌فرمایند که بعضی
قائل هستند که حتی در شبهات وجوبیه موضوعیه
- نه حکمیه - باید حکم به احتیاط بشود.^۲ این هم
مطلب دوم بود.

^۱ همان.

^۲ همان.

نظر محدث استرآبادی

محدث استرآبادی قائل به احتیاط هستند در
مَحْتَمَلُ الْوُجُوبِ یا **مَحْتَمَلُ الْحَرَمَةِ**. و ایشان
می‌فرمایند [که] متأخرین از خاصه و همین‌طور عامّه
قائل به عدم احتیاط هستند، ولیکن مسئله خلاف این
است. چرا؟ دلیل ایشان این است [که] چون خداوند
دین را اکمال کرده و هر واقعه‌ای که این واقعه در
عالم تَکَوُّن پیدا کند، **لَهُ حُكْمٌ عِنْدَ اللَّهِ وَ حُكْمٌ بِلَا**
مَعَارِضٍ. پس در صورت وجود یک واقعه و شک در
آن حکم، این [شک] داخل در روایات تثلیث خواهد
شد؛ چون روایات حجب و روایات رفع، عدم علم
را برمی‌دارند؛ هر چیزی که معلوم نیست، ولی در
روایت تثلیث قول به توقف هست:

[قَالَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ] وَ إِنَّمَا الْأُمُورُ ثَلَاثَةٌ أَمْرٌ بَيْنَ رُشْدِهِ فَيَتَّبِعُ وَ أَمْرٌ بَيْنَ غَيِّهِ
فَيُجْتَنَّبُ وَ أَمْرٌ مُشْكِلٌ يُرَدُّ عِلْمُهُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى رَسُولِهِ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: «حَلَالٌ بَيْنَ وَ حَرَامٌ بَيْنَ وَ شُبُهَاتٌ بَيْنَ ذَلِكَ فَمَنْ تَرَكَ الشُّبُهَاتِ نَجَا مِنَ
الْمُحَرَّمَاتِ وَ مَنْ أَخَذَ بِالشُّبُهَاتِ إِرْتَكَبَ الْمُحَرَّمَاتِ وَ هَلْكَ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُ.»^۱

^۱ وسائل الشیعة، ج ۲۷، أبواب صفات القاضي و ما يجوز أن يقضى به،
باب ۱۲ - باب وجوب التوقف و الاحتياط في القضاء و الفتوى و العمل
في كل مسألة نظرية لم يعلم حكمها بنص منهم عليهم السلام، ص ۱۵۷،
ح ۹:

[امام صادق علیه السلام فرمودند:] «همانا امور بر سه قسم اند: ۱- امری که
درستی و هدایت آن روشن است و باید پیروی شود، ۲- امری که گمراهی‌اش
روشن است و باید از آن پرهیز شود، ۳- امری که مشکل و مشتبه است و باید
در یافتن حقیقت آن به خدا و رسول ارجاع شود. رسول خدا صلی الله علیه

این روایت تثلیث است و عمده ادله اخباریین همین روایت تثلیث است که حالا بعداً عرض می‌کنیم. بعد ایشان می‌فرماید: «در آنجایی که مسئله در وجوب و استحباب، در شبهات وجوبیه تساوی طرفین بود، در آنجا احتیاط واجب است»؛ یعنی طرفین وجوب و عدم مساوی هستند، ولی اگر جانب استحباب برای ما ظهور داشت [صوت قطع] ... صاحب معارج می‌فرماید که قول به احتیاط از جماعه^۱ است. و در معالم هم این را نسبت به یک جماعتی داده است.

اما در شبهات تحریمیه موضوعیه مرحوم شیخ در همین رسائل می‌فرماید که **لا خلاف فی البرائة و فی الإباحة** در شبهات تحریمیه موضوعیه هیچ خلافی نیست، **لِلأدلة و الأصل**.^۲ اما در شبهات وجوبیه موضوعیه ایشان صحبتی نکرده و **سَكَتَ** و

و آله و سلّم فرموده: «حلالی است روشن و حرامی است روشن و در میان آنها اموری است مشتبّه (پوشیده و نامعلوم)، کسی که امور مشتبّه را رها کند، از محرّمات نجات یابد و هرکه مشتبّهات را اخذ کند، مرتکب محرّمات هم گردد و ندانسته هلاک شود.» (محقق)

^۱ مصدر در حال بررسی

^۲ فرائد الأصول، ج ۲، ص ۱۱۹.

ظاهر مسئله این است که در این قضیه هم خلافتی نیست؛ ولی در بعضی از جزئیات این بحث در شبهات وجوبیه در شک بین اقل و اکثر، معرکه آراء است و عده زیادی قائل به وجوب احتیاط هستند. ولی مرحوم شیخ بحرانی حکم به وجوب احتیاط کرده است مطلقاً، مگر در جایی که دلیل به خصوص برایش آورده بشود؛ مانند جوائز سلطان جائز یا نکاح مرأه‌ای **بلغک انّھا ارتضعت** در این موارد خاص چون دلیل هست، ایشان قائل به عدم اباحه شده‌اند.^۱

البته همان‌طور که خدمتتان عرض کردم، باید میزان اینها مشخص بشود و همین‌طور نمی‌شود به صرف اینکه یک احتمال خیلی غیرعقلانی برای رضاع داده بشود، اگر احتمال جدّی باشد؛ به‌طوری‌که مثلاً مسئله یک مسئله خیلی مهم است یا می‌خورد به اینکه دیگر واقعاً این را شیر داده ولو یک احتمال کمی باقی مانده است، مسئله در این موارد فرق می‌کند و جهت‌ش هم مشخص است. یک وقت ممکن است بعداً در چنین مواردی کشف خلاف

^۱ حقائق الناظره، ج ۱، ص ۶۸ - ۷۰.

بشود، آن وقت دیگر کار مشکل است؛ یعنی وقتی که قضیه روشن شد و رضاع حاصل شده بود، آن وقت دیگر جدا شدن با وجود بچه‌های عدیده و اینها، خیلی مشکل است؛ لذا احتیاط در آن موارد به خاطر مفاسدی که بعد مترتب است، لازم است.

حالا مشخص می‌شود؛ چون بحث احتیاط بحث خیلی دامن‌داری است و مواردی که در آنجا باید احتیاط بشود باید روشن بشود. اما مرحوم شیخ در شبهات تحریمیة حکمیه می‌فرمایند که قول معظم اخباریین احتیاط است؛ اما در شبهات وجوبیة حکمیه محل خلاف است. بعضی‌ها قائل به احتیاط شدند؛ ولی اکثر قائل به عدم وجوب احتیاط در شبهات وجوبیة حکمیه هستند؛ ولی اخباریین در شبهات موضوعیة تحریمیة یا وجوبیه به دو دسته تقسیم شده‌اند: بعضی‌ها قائل به وجوب احتیاط هستند، بعضی‌ها قائل به عدم احتیاط هستند. پس می‌شود گفت که در شبهات تحریمیة، قول معظم اخباریین بر احتیاط است و در شبهات وجوبیة حکمیه، قول معظم اخباریین بر عدم احتیاط است و در شبهات موضوعیة تحریمیة وجوبیه - نه حکمیه -

بعضی‌ها قائل به احتیاط هستند و بعضی‌ها قائل به عدم احتیاط هستند. این محصل این کلام بود.

آیات مورد استدلال در احتیاط

و اما مرحوم آخوند اشاره‌ای ندارد به اینکه آن آیات چیست. چند دسته از آیات هستند؛ یکی آیات دالّه بر توقف در صورت عدم علم است، یکی آیاتی که بر عدم القاء در تهلكه دلالت می‌کند ﴿وَلَا تُلْ قُوا بِأَيِّ دِيكُمُ﴾ و دیگر آیاتی که دلالت بر تقوا دارد؛ اما آیاتی که دلالت بر عدم قول به علم می‌کنند یکی در سوره یونس است و یکی در سوره اعراف که می‌فرماید: ﴿أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾^۱ این یکی از آن آیات است که قول به اباحه در صورت کشف خلاف واقع، قول علی الله بما لا تعلمون است و هذا حرامّ.

اول. آیات افتراء علی الله

شیخ می‌فرماید که به آیاتی استدلال شده است؛

^۱ سوره یونس (۱۰) آیه ۶۸.

ترجمه: «آیا بی دلیل و از روی جهالت نسبت به خدا چنین دروغ سخن می‌گویید؟!» (محقق)

یکی ﴿ءَاَللّٰهُ اٰذِنَ لَكُمْ اَمْ عَلٰى اَللّٰهِ تَفْتَرُوْنَ﴾^۱ این یکی از آیاتی است که استدلال شده و نسبت به این یکی، که عدم علم موجب **إفتراء** **على الله** است در صورتی که اذنی هم از طرف خدا نسبت به ترخیص نیست. آیات دیگر ﴿اَتَقُولُوْنَ عَلٰى اَللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ﴾ یا اینکه ﴿اَفَتَرٰى عَلٰى اَللّٰهِ كَذِبًا﴾^۲ یا ﴿ءَاَللّٰهُ اٰذِنَ لَكُمْ اَمْ عَلٰى اَللّٰهِ تَفْتَرُوْنَ﴾ تمام اینها حکم به ترخیص شارع در محتمل الحرمة این قول به غیر علم است و قول به غیر علم **إفتراء** **على الله** است و **هو حرام** این یک دسته از آیات است.

آیات القاء در تهلكه

دسته دوم القاء در تهلكه است؛ آیاتی که نهی از القاء در تهلكه می کنند ﴿وَلَا تُلْقُوا بِاَيْ دِيْكُمُ ۖ اِلٰى اَلتَّهْلُكَةِ﴾^۳ و امثال ذلک. آیات دیگر آیاتی است که دلالت بر تقوا می کند؛ حتی مرحوم شهید در

^۱ سوره یونس (۱۰) آیه ۵۹.

ترجمه: «آیا این به دستور خداست یا بر خدا افتراء می بندید؟!» (محقق)

^۲ سوره انعام (۶) آیه ۲۱.

ترجمه: «بر خدا دروغ بست.» (محقق)

^۳ سوره بقره (۲) آیه ۱۹۵. نور ملکوت قرآن، ج ۱، ص ۱۸۸:

«و با دست های خودتان خود را در تهلكه نیفکنید.»

ذکری در قضاء فوائت می‌فرمایند: «نمازی که انسان نمی‌داند و شک دارد که به صورت باطل اداء شده است یا به صورت صحیح، احتیاط واجب است این نماز را قضا کند.»^۱ دلائلی را که می‌آورند: ﴿اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ﴾^۲ است. یکی هم ﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ﴾^۳ است و دیگر که دلالت بر وجوب احتیاط می‌کند، مثل ﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا أَسَّ تَطَعْتُمْ﴾^۴، ﴿وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى اللَّهِ لُكَةً﴾^۵ یا ﴿فَإِنْ تَنَزَّعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ﴾^۶ که خودتان حکم نکنید و حکمش را به خدا و رسول ارجاع بدهید. آن وقت در مقام عمل در خارج باید احتیاط کنید. اینها لوازم این رد حکم به الله و رسول است که در تمام این موارد

^۱ فرائد الأصول، ج ۲، ص ۶۲؛ ذکری الشيعة، ج ۲، ص ۴۴۴.

^۲ سوره آل عمران (۲) آیه ۱۰۲. امام شناسی، ج ۱۳، ص ۳۱۱:

«تقوای خدا را آن طور که باید و شاید و سزاوار مقام تقوای اوست بجای آورید.»

^۳ سوره حج (۲۲) آیه ۷۸.

ترجمه: «و حق جهاد در راه او را به جای آرید.» (محقق)

^۴ سوره تغابن (۶۴) آیه ۱۶.

ترجمه: «پس تا بتوانید خدا ترس و پرهیزکار باشید.» (محقق)

^۵ سوره نساء (۴) آیه ۵۹. امام شناسی، ج ۱۳، ص ۳۹۴:

«و اگر در موردی نزاع نمودید آن را به حکم خدا و رسولش برگردانید.»

این ادله دلالت بر احتیاط می کنند.

پاسخ اصولیین به اخباریین

نقضی که اصولیین بر اینها وارد می کنند، نقض به شبهات وجوبیه و به شبهات موضوعیه است. می گویند [که] همین اشکالی که شما در شبهات تحریمیه دارید، همین مسئله در شبهات وجوبیه هست. پس چرا شما قائل به احتیاط در شبهات وجوبیه نیستید؟! یا چرا شما قائل به احتیاط در شبهات موضوعیه نیستید؟! چون در شبهات موضوعیه هم مسئله فرق نمی کند. بالأخره آنهم شبهه هست و در شبهه هم انسان باید که احتیاط کند ﴿وَلَا تُلْ قُؤَا بَأَى دِيكُمْ َ إِلَى اللَّهِ َ لُكَةً﴾ در آنجا هم می آید. من باب مثال در شک بین خمر و خل همین مسئله هست و شبهه شبهه موضوعی است و این آیاتی بود که اینها بر این مسئله استدلال کردند. جوابی را که مرحوم آخوند در اینجا می دهند این است که می فرمایند: «قول به عدم احتیاط، قول به التزام به عدم علم نیست.» اینکه شما در یک جا قائل به اباحه هستید، این نه **إفتراء على الله** هست، نه التزام به غیر علم است، نه القاء در تهلکه است. چرا؟

چون وقتی که با آیات قرآن، روایات، اجماع و همین‌طور با دلیل عقل حکم به اباحه ظاهری ثابت بشود، پس این اتباع به غیر علم حساب نمی‌شود؛ پس ﴿لَا تُلْ قُوا بِأَيِّ دِيكُمْ َ إِلَى اللَّهِ لُكَةِ﴾ هم شامل مانحن‌فیه نخواهد شد؛ درحالی‌که ما ادله داریم، روایات داریم؛ روایت حجب هست، روایت سعه هست، روایت رفع هست. و همین‌طور قاعده عقلی داریم؛ قبح عقاب بلا بیان در اینجا محکم است. و آیاتی داریم که دالّ بر براءت بودند.

من حیث المجموع در اینجا حکم به براءت حکم به نقل است؛ یعنی حکم از روی علم است و حکم ساختگی نیست که ﴿أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ باشد. یا اینکه ﴿وَلَا تُلْ قُوا بِأَيِّ دِيكُمْ َ إِلَى اللَّهِ لُكَةِ﴾ باشد. ﴿أَتَقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ﴾؛ یعنی در مواردی که مشخص است و در مواردی که حکم مبین است، در آنجا انسان باید التزام داشته باشد، اما نه‌اینکه در آن موارد مشکوک ﴿أَتَقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ﴾ آن جنبه افضلیت و جنبه شدت موجب بشود که انسان حکم به لزوم کند. در

آنجا چنین مطلبی از این قضیه استفاده نمی‌شود؛
 گرچه مرحوم شهید در ذکری قائل به این مسئله
 شده‌اند؛ یعنی استفاده ﴿اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ﴾ یا
 ﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ﴾ را دالّ بر وجوب و
 لزوم گرفته‌اند؛ چون ظهور امر دلالت بر وجوب و
 لزوم می‌کند.^۱

پس منظور مرحوم شهید در ذکری از این آیه این
 است که [اگر] انسان به نحوی تقوا داشته باشد که با
 آن تقوا شک کند، دیگر ذمه‌ای بر عهده او نیست. این
 ماحصل کلام آنهاست.

حالا إِنْ شَاءَ اللَّهُ خصوصیاتش را هم عرض
 می‌کنیم.

اللهم صل على محمد وآل محمد

^۱ فرائد الأصول، ج ۲، ص ۶۲؛ ذکری الشيعة، ج ۲، ص ۴۴۴.